



Investigating the Penal Measures of Islam and Iran's Law in Preventing Violence in the Family

Zahra Yavari¹, Ebrahim Yaghouti*², Ahmad Reza Khazaei³

1. Ph.D Student, Department of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 141-154

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-2091-5374

TELL: +982144600200

Email: Yaghouti2010@yahoo.com

Article history:

Received: 26 Sep 2023

Revised: 22 Nov 2023

Accepted: 29 Nov 2023

Published online: 22 Dec 2023

Keywords:

Family, Protection, Violence, Family Violence, Criminal and Non-criminal Measures.

ABSTRACT

Domestic violence has very unpleasant effects on the personality and life of family members. The most important result of family violence is the phenomenon of conflict and the disintegration of the family institution. The consequences and effects of violence are not only limited to the framework of the family and its members; Because the importance and role of the family in society is such that its strengths and the whole society. The purpose of this article is to examine the penal measures of Islam and Iran's subject law in preventing violence in the family institution. This article is descriptive and analytical, and has investigated the mentioned question by using the library method. The findings indicate that the family, due to its unique characteristics, is one of the social institutions that legal in a desirable way The institution of the family provide and be able to solve all family problems. Of course, it is not meant to negate rights or legal strategies in consolidating family relationships; Rather, it is meant to emphasize the point that it is necessary to realistically define and correct the level of our expectation of rights in the field of family relations and not to expect more than the capacity of rights, and to solve some inadequacies in this field with ethical strategies. season Also, the legal strategies that are introduced to strengthen the family should not negate the moral aspects of the family institution.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Yavari, Z; Yaghouti, E & Khazaei, AR (2023). "Investigating the Penal Measures of Islam and Iran's Law in Preventing Violence in the Family". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(4): 141-154.



انجمن عالی فقہ جرای تطبیقی ایران

فصلنامه فقہ جرای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقہ جرای تطبیقی

دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

بررسی تدابیر کیفری اسلام و حقوق موضوعه ایران در پیشگیری از بروز خشونت در نهاد خانواده

زهرا یآوری^۱، ابراهیم یاقوتی^{۲*}، احمدرضا خزایی^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. دانشیار، گروه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

خشونت خانگی آثار بسیار ناخوشایندی بر شخصیت و زندگی اعضای خانواده دارد. مهم‌ترین نتیجه خشونت خانوادگی، پدیده آمدن تعارض و زمینه از هم پاشیدن نهاد خانواده است. تبعات و آثار خشونت تنها محدود به چارچوب خانواده و اعضای آن نیست؛ چراکه اهمیت و نقش خانواده در جامعه به‌گونه‌ای است که قوت‌ها و نقص‌های آن بر کل جامعه تأثیرگذار است. هدف مقاله حاضر بررسی تدابیر کیفری اسلام و حقوق موضوعه ایران در پیشگیری از بروز خشونت در نهاد خانواده است. این مقاله توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که خانواده به‌دلیل دارا بودن خصایص و ویژگی‌های منحصر به فرد، از جمله نهادهای اجتماعی است که راهبردها و تدابیر حقوقی اعم از کیفری و قضایی از آنچنان ظرفیتی برخوردار نیستند که قادر باشند به‌نحو مطلوب موجبات تحکیم نهاد خانواده را فراهم کرده و قادر به حل تمام مشکلات خانواده باشند. البته مقصود نفی حقوق یا راهبردهای حقوقی در تحکیم روابط خانوادگی نیست؛ بلکه منظور تأکید بر این نکته است که لازم است با واقع بینی، سطح انتظار خود از حقوق در حوزه روابط خانوادگی را تعریف و تصحیح نماییم و از حقوق بیش از ظرفیتش انتظاری نداشته باشیم، و بعضی نارسایی‌های این حوزه را با راهبردهای اخلاقی حل و فصل نماییم. همچنین راهبردهای حقوقی که برای تحکیم خانواده معرفی می‌گردند، نباید نافی جنبه‌های اخلاقی نهاد خانواده باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۱-۱۵۴

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۵۳۷۴-۲۰۹۱-۰۰۳-۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۲۱۴۴۶۰۰۲۰۰

ایمیل: Yaghouti2010@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

نهاد خانواده، صیانت، خشونت، خشونت خانوادگی، تدابیر کیفری و غیر کیفری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

خشونت در خانواده، قدمتی به اندازه تاریخ خانواده دارد. با بروز اختلاف در خانواده و برانگیختگی هیجانات که می‌تواند در اثر عوامل مختلفی باشد، استفاده اعضا خانواده از خشونت علیه یکدیگر امری محتمل خواهد بود. زنان و کودکان به علل گوناگون، از جمله توانایی جسمانی کمتر، قربانی اصلی خشونت خانگی بوده‌اند. به گواهی پژوهش‌های پرشمار، بسیاری از زنان در سراسر جهان خشونت خانگی را چشیده و کشیده‌اند؛ به گونه‌ای که این پدیده حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان نیز فراوانی نگران‌کننده‌ای دارد (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۱۹).

خشونت خانگی آثار بسیار ناخوشایندی بر شخصیت و زندگی اعضای خانواده دارد. رواج خشونت در خانواده، علاوه بر اینکه باعث می‌شود اهداف نهاد خانواده در عمل جامه تحقق نپوشد، به افزایش خشونت‌های اجتماعی نیز دامن می‌زند. بنابراین پیشگیری و مواجهه صحیح با معضل خشونت خانگی، افزون بر تحکیم و تقویت نهاد خانواده به کاهش آسیب‌های اجتماعی دیگر خواهد انجامید (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۱۲). به علاوه هر گونه راه حلی برای خشونت‌های خانگی که ماهیت منحصر به فرد این جرم را شناسایی و بررسی نکند و برای حمایت از قربانی جرم تلاش نکند و در واقع به مرتکب رفتار سوء کمک کند، محکوم به شکست خواهد بود. برای پیشگیری و درمان خشونت باید اولویت اصلی محیط درونی خانواده و استفاده از سازوکارهای اخلاقی و اجتماعی باشد اما به جهت مقابله با تبعات سخت و ناخوشایند خشونت، هیأت اجتماع در موارد حاد ناگزیر از برخوردهای مداخله‌گرایانه و استفاده از ابزارهای قضایی و کیفری است (معظمی، ۱۳۸۳: ۲۵۰-۲۲۳). از همین رو در این مقاله تدابیر پیش‌بینی شده در سیاست جنایی اسلام و قوانین کیفری برای برخورد با خشونت و ممانعت از آثار سوء آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- رویکرد اسلام نسبت به خشونت خانوادگی و روش‌های

غیرکیفری پیشگیری از آن

در این قسمت به بررسی رویکرد اسلام نسبت به خشونت خانوادگی و روش‌های پیشگیری از آن پرداخته می‌شود.

۱-۱- رویکرد اسلام نسبت به خشونت خانوادگی

در آموزه‌های اسلامی پدیده خشونت در روابط اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و ضمن زشت و قبیح شمردن آن بر رعایت حقوق دیگران و منع به‌کارگیری خشونت تأکید شده است. موضوع خشونت علیه زنان به‌ویژه در خانواده در قرآن و کلمات پیشوایان دین بارها مورد اشاره قرار گرفته و به طرق گوناگون سعی شده از آن پیشگیری شود و و چنین رفتاری مهار شده و برخورد مناسب با آن صورت گیرد.

در آیات متعدد قرآن کریم به انواع مختلف خشونت علیه زنان اشاره و منع از آن مورد تصریح قرار گرفته است (بقره / ۳۴-۳۱-۳۰-۲۹؛ نساء / ۱۹-۳۱-۳۴-۱۲۸-۱۲۹؛ مجادله / ۲؛ زخرف / ۱۷؛ تکویر / ۸-۹؛ نحل / ۵۷-۵۸-۵۹؛ طلاق / ۶). در روایات رسیده از ائمه معصومین علیهم السلام خشونت بر اعضای خانواده شدیداً مورد نکوهش و منع قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اهانت به زنان را نشانه فرومایگی (شیروانی، ۱۳۸۶: ۳۱۸)؛ و زدن زن را دور از اخلاق (زحیلی، ۱۴۱۸: ۵۷)؛ و سبب رسوایی در روز قیامت (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۵)؛ خواندند. همچنین در روایتی امام کاظم علیه السلام فرمودند: «... خداوند بیش از هر چیز، به خاطر (حمایت از) زنان و کودکان غضب می‌کند» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۴۸۴).

همانگونه که اشاره شد در برخورد با پدیده خشونت خانوادگی اولویت با توجه به اصول اخلاقی و در پیش گرفتن صلح و سازش است. اما اگر خشونت به مرحله‌ای رسید جز با اعمال قوه قهریه نشود مانع آن شد، برای حفظ حقوق افراد و نیز حمایت از نهاد خانواده بر حکومت اسلامی و حاکم مسلمین لازم است که در موضوع مداخله نموده و به هر طریق ولو اعمال مجازات، مانع از اعمال خشونت و تضییع حقوق اعضای خانواده گردد.

در بعد کنترل حکومتی نیز روایتی از امام محمد باقر (ع) نقل

آزار و در واقع همان آثار و نتایجی است که اعمال خشونت به هر طریق ممکن است در بر داشته باشد. پس اگر هر یک از مصادیق خشونت منجر به ایذاء و آزار احدی از اعضای خانواده گردید، حکومت اسلامی می‌تواند نسبت به وضع قوانین کیفری و مجازات اعمال کننده خشونت اقدام نماید.

براین اساس، مسؤولیت حکومت اسلامی در زمینه خشونت خانگی ثابت و قطعی است که با دخالت صحیح می‌تواند نقش موثری در کاهش خشونت زناشویی داشته باشد و جالب توجه است که در کشورهای غربی نیز در این اواخر، اهتمام بیشتری به تقویت نقش پلیس و سیستم قانونی در این ارتباط مشاهده می‌شود (بستان نجفی، ۱۳۹۰: ۲۰۰).

در این میان توجه به این نکته ضروری است که برخی به غلط تصور کرده‌اند تفاوت‌های حقوقی بین مرد و زن نوعی خشونت قانونی تلقی می‌شود که باید در نفی و محو آن تلاش کرد؛ اما باید دانست که چنین تصویری قرین به واقعیت نیست. زیرا تفاوت مالی مرد و زن در ارث و دیه ناشی از عدم مسؤولیت زن در تأمین هزینه‌های خانواده و حتی هزینه‌های شخصی خود در نظام اسلامی است. از سوی دیگر، اختلاف زن و مرد در مسأله شهادت و قضاوت نیز ناشی از عاطفی بودن زن، مشکلات ماهانه و زایمان است و علاوه بر این، جواز ضرب و کتک زدن زن، که در برخی آیات و روایات آمده، در شرایط استثنایی و متناسب با وضعیت ویژه‌ای است و به قدر ضرورت تجویز شده است (ضمیری، ۱۳۸۵: ۵۴-۴۵).

۱-۲- روش‌های پیشگیری غیرکیفری از خشونت خانگی در اسلام

با توجه به آثار سوء و تبعات ناخوشایند خشونت خانوادگی، پیشگیری از این معضل و برطرف نمودن آن در صورت بروز، تأثیر مهمی در تحکیم خانواده و ممانعت از فروپاشی آن دارد. در آموزه‌های دینی خشونت خانگی و هرگونه تعدی بی‌جهت بر اعضای خانواده و آزار آنان در خانواده به روشنی نهی شده است. اما، در سیاست جنایی اسلام برای

شده، که حضرت علی علیه السلام در زمان حکومت خویش با مردی که با خشونت با همسرش رفتار کرده بود، به تندی برخورد کرده و وی را وادار به اصلاح رفتار خود نمودند (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۴۳۷). این روایت گواهی روشن است بر مسؤولیت و نقش خطیری که نهاد حکومت در جامعه اسلامی در کنترل خشونت زناشویی بر عهده دارد و می‌تواند راهنمای عمل برای مسؤولان حکومتی در نظام اسلامی باشد. همچنین، از این واقعه نکات مهمی به دست می‌آید که از جمله آنها لزوم سرعت عمل حکومت، آسانی دادخواهی و احقاق حق مظلومان و شدت عمل در این زمینه به هنگام لزوم است (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۳۰۹).

افزون براین روایت که ضعف سند آن می‌تواند استدلال به آن را خدشه دار کند، می‌توان لزوم برخورد قاطع نظام جزایی با خشونت زناشویی را به ادله دیگری مانند قاعده نفی ضرر مستند ساخت (بستان نجفی، ۱۳۹۰: ۲۰۰).

از این رو فقها نیز در فتاوی خود بر این نکته تأکید کرده‌اند؛ برای نمونه، علامه حلی در کتاب تحریر الاحکام اشاره کرده اگر شوهر باعث اضرار به زن گردد، حاکم مانع او از ظلم به زن می‌شود (حلی (علامه)، ۱۴۲۰: ۴۱). و در کتاب جامع عباسی آمده است: «و اگر شوهر زن را بی گناه بزند حاکم شرع او را منع کند» (عاملی و ساوجی، ۱۴۲۹: ۶۹۱). نظر امام خمینی^(ع) این بود که «اگر مردی با زن خودش بدرفتاری کند، در حکومت اسلامی او را منع می‌کنند؛ اگر قبول نکرد او را تعزیر می‌کنند و اگر قبول نکرد مجتهد طلاق می‌دهد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴: ۱۰۴). علاوه بر این برخی دیگر از جمله شیخ طوسی ضمن تأکید بر ممانعت حاکم از ظلم شوهر به زن با اذیت و آزار، نظرشان بر این بوده که زوجین را حاکم در منزلی تحت اشراف فردی ثقه برای آگاهی از احوال ایشان سکونت دهد (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۳۰). در مواردی نیز فقها به تعزیر شوهر خاطی که من غیر حق زن را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد، حکم داده‌اند (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ۴۲۹).

آنچه که از سوی فقها مورد حکم قرار گرفته و بر آن اساس به حاکم اسلامی اختیار اعمال تعزیر داده‌اند، مطلق اذیت و

مقابله با خشونت خانوادگی تدابیری اندیشیده شده که به کارگیری آن‌ها موجبات کنترل و برطرف نمودن این مشکل را فراهم می‌کند. خشونت می‌تواند منجر به نتایجی گردد که دارای اثر کیفری است، لذا تدابیر و ضمانت اجرایی که منجر به پیشگیری کیفری از خشونت می‌گردد در مبحث تدابیر کیفری و اقدامات قانونی قانونگذار آورده شد و در این قسمت به بیان راهبردهای غیرکیفری پیش‌بینی شده در سیاست جنایی اسلام در مرحله پیشگیری ثانویه خواهیم پرداخت. بیان این تدابیر ذیل عنوان پیشگیری ثانویه از طلاق، حاکی از آن است که این تدابیر برای مشکل خشونت جنبه حلی و درمانی داشته و برای طلاق به جهت برطرف نمودن یکی از علت‌های آن، دارای جنبه پیشگیرانه است.

قبل از بیان راهکارهای پیشگیری و کنترل خشونت توجه به نکاتی لازم است:

در آموزه‌های دینی در اقدامی هماهنگ اعضای خانواده، ضمن اینکه از خشونت علیه سایر اعضا منع شده‌اند، بیش از آن به خوش رفتاری و نیکی نسبت به یکدیگر تشویق شده‌اند؛ لذا بیش از آنکه از توصیه‌هایی که در محتوا نگاه منفی به مسأله دارد استفاده شود به سفارش‌هایی با نگاه مثبت، به قضیه پرداخته شده است. در این موضوع، عموماً آیات و روایات به نیکی و خوشرفتاری با زنان سفارش نموده، که نتیجه طبیعی آن خودداری از خشونت علیه زنان است. علاوه بر خوشرفتاری با زنان، سفارش شده که کرامت زنان باید رعایت شده و حقوق انسانی و معنوی آنها پاس داشته شود.

تمامی این رفتارها نیز نه فقط به جهت رعایت ضوابط و قراردادهای اجتماعی بشر، بلکه به دلیل اطاعت از خالق هستی که بیشترین پیوند را در جهان با بشر دارد و از خود او به او نزدیک‌تر است، انجام می‌پذیرد؛ این‌گونه است که در اوج ارتباط عارفانه با خدا، در ادعیه بسیار، از خداوند طلب خوش‌رفتاری با زنان می‌شود (آیت‌اللهی، ۱۳۸۱: ۲۲).

افزون بر این، در اسلام علاوه بر نهی از خشونت رفتاری و گفتاری علیه زنان، ایشان نیز از خشونت با همسر، فرزند و

والدین بازداشت شده‌اند. این امر از جمله تعارضات جدی موجود بین قوانین اسلامی و قوانین مربوط به زنان در اسناد سازمان ملل است؛ چراکه به دلیل حاکمیت تفکرات اومانیستی بر مصوبات بین‌المللی، آنچه همواره مورد تأیید قرار گرفته، موضوع حق افراد است لذا در قالب اعلامیه‌های مختلف به حقوق افراد نسبت به دیگران اشاره شده، حال آنکه در قوانین اسلامی علاوه بر ذکر حقوق افراد، تکالیف آنان نسبت به دیگران نیز گوشزد شده است. هر چند ذکر حقوق هر فرد بر دیگری به طور ضمنی تکلیف طرف مقابل را نسبت به او مطرح می‌نماید ولی از آنجا که مصوبات بین‌المللی قاصر از بیان حقوق همه افراد می‌باشند لذا از بیان برخی حقوق و بعضی تکالیف کوتاهی کرده است. از جمله آنکه در موضوع خشونت، خشونت علیه زنان و خشونت علیه کودکان بسیار مطرح شده و به حقوق زنان و کودکان در این زمینه تصریح شده است ولی از آنجا که اسناد بین‌المللی تکلیف مدار نیستند به تکلیف زنان در خوشرفتاری با همسر و یا تکلیف کودکان در احترام به والدین اشاره‌ای ننموده است و نیز از آنجا که سندی با نام حقوق مردان و یا حقوق والدین مطرح نشده نمی‌توان در ضمن این نوع اعلامیه‌ها به تکلیف زنان با عنوان همسر یا دختر استناد کرد (آیت‌اللهی، ۱۳۸۱: ۲۶).

با در نظر گرفتن نکات یاد شده، مهم‌ترین تدابیر غیرکیفری پیش‌بینی شده در سیاست جنایی اسلام برای مقابله و مهار خشونت خانوادگی را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۱-۲-۱- تقویت ایمان و اخلاق

مهم‌ترین راهبرد کاهش خشونت زناشویی از دیدگاه اسلام، تقویت باورهای دینی و رشد اخلاقیات فردی است. در ارتباط با این راهبرد، علاوه بر توصیه‌های عام اخلاقی، نکات ذیل قابل توجه است:

توصیه مردان به معاشرت نیک با زنان که مدلول صریح آیه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/۱۹) است. همچنین رسول خدا صلوات الله علیه و اله بر حسب روایتی می‌فرماید: «بهترین شما، بهترین شما برای زن و فرزندان شماست و من بهترین شما برای زن و فرزندانم هستم» (قمی (صدوق)، ۱۳۸۵: ۱۳۸۵).

روشن است که برای تحقق این راهبرد، یعنی رسیدن افراد به سطح اخلاقی مطلوب، قبل از هر چیز باید بر الگوهای تربیتی فرزندان در خانواده‌ها تأکید کرد؛ چراکه خانواده بیشترین نقش را در تربیت اخلاقی فرزندان بر عهده دارد. در قدم بعد باید اهمیت نقش مدارس و دانشگاه‌ها را یادآور شد؛ زیرا در نظام اسلامی علاوه بر انتقال دانش، پرورش همه جانبه به‌ویژه تربیت اخلاقی کودکان، نوجوانان و جوانان از وظایف اصلی مراکز آموزشی است. گذشته از این دو عامل، دیگر عوامل فرهنگی تأثیرگذار مانند نهادهای دینی و تبلیغی، رسانه‌های جمعی، کتاب‌ها، مجلات و... در ارتقای سطح اخلاقی آحاد جامعه نقش مؤثری دارند (بستان نجفی، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

۱-۲-۲- رفع زمینه‌های خشونت

اسلام افزون بر تلاش در جهت کاهش احتمال خشونت از طریق تقویت باورهای دینی و اخلاق، اهتمام ویژه‌ای به از میان برداشتن زمینه‌های محرک و مشوق خشونت زناشویی مبذول داشته است. روشن است که این راهبرد گستره وسیعی دارد که راهکارهای متنوعی از قبیل فراهم ساختن امکان ارضای متقابل نیازهای جنسی زن و شوهر، با تأکید ویژه بر حق تمکین زن در برابر شوهر، تأکید بر حقوق متقابل زن و شوهر در زمینه ارضای نیازهای عاطفی، ممنوعیت هرگونه التذاذ جنسی خارج از چارچوب زناشویی، مبارزه با فقر اقتصادی و ممنوعیت استفاده از مشروبات الکلی و مواد مخدر را در برمی‌گیرد. بی‌شک عملی شدن این گونه راهکارها زمینه بسیاری از خشونت‌های زناشویی را از میان می‌برد (بستان نجفی، ۱۳۹۰: ۱۹۸).

۱-۲-۳- اصلاحات فرهنگی

اسلام به‌عنوان دینی عدالت محور و مخالف با هرگونه ظلم و ستم، از همان آغاز در جهت بالا بردن سطح آگاهی افراد جامعه و محو اسطوره‌ها، خرافات و آداب و رسوم ظالمانه تلاش کرده است. از جمله این تلاش‌ها که به تحولات مهمی در جامعه منحنط عرب جاهلی انجامید می‌توان به مبارزه جدی اسلام با نگرش نادرستی که به جنس مذکر ارزشی بیش از جنس مؤنث اسناد می‌دهد (نحل/۵۹-۵۸)،

و در حدیثی دیگر فرموده‌اند: «خیر الرجال من امتی الذین لا یتناولون علی اهلیم و یحنون علیهم ولا یظلمونهم؛ بهترین مردان امت من، آن کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خشن و متکبر نباشند و بر آنان ترحم و نوازش کنند و به آنان آزار نرسانند»

توصیه مردان به رعایت پرهیزگاری و خودداری از کتک زدن همسران: برحسب روایات، مردان از کتک زدن زنان نهی شده‌اند و در صورت ارتکاب این عمل وعده عذابهای دردناکی در آخرت به آنها داده شده است (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۵۰). به‌عنوان نمونه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «هر کس به صورت زنش سیلی بزند، خداوند به آتشبان جهنم دستور می‌دهد تا در آتش جهنم هفتاد سیلی بر صورت او بزند.»

توصیه مردان به بردباری در برابر بدخلقی زنان و گذشت از خطای آنان: در برخی روایات، گذشت از خطای همسر، از مصادیق احسان و از حقوق زن بر شوهر قلمداد شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۹). همچنین پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله بر حسب روایتی می‌فرمایند: «مردی که به امید پاداش الهی در برابر بدخلقی همسر بداخلاقش صبر و بردباری پیشه کند، خداوند پاداش شکرگزاران را به وی عطا خواهد کرد» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۷۴).

سفارش زنان به حسن معاشرت با شوهران و تحمل بدخلقی آنان: رسول خدا صلوات الله علیه و آله برحسب روایت مشهور «جهاد المراه حسن التبعّل» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷). جهاد زن را خوب شوهرداری کردن دانسته‌اند. همچنین امام علی علیه السلام بر حسب روایتی می‌فرمایند: «جهاد زن آن است که در برابر آزاری که از شوهر به وی می‌رسد و غیرت ورزی نابخای وی صبور و بردبار باشد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۹).

تأکید بر حسن خلق به‌عنوان معیار انتخاب شوهر؛ در روایتی آمده است که شخصی برای امام رضا (ع) نامه نوشت و عرضه داشت: یکی از خویشان من که قدری بداخلاق است به خواستگاری دختر من آمده است. امام علیه السلام به وی فرمود: «اگر بداخلاق است دخترت را به او نده» (قمی صدوق، ۱۳۸۵: ۴۰۵).

نیازهای جنسی است. به همین دلیل متون اسلامی به زنان توصیه می‌کنند که در تأمین نیازهای جنسی همسر، حتی در برخی موقعیت‌های دشوار بکوشند (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۸).

برخورد ملایم و مناسب با مرد، نقش مهمی در پیشگیری از خشم و خشونت او دارد. زندگی خانوادگی با مشکلات و بحران‌های پرشماری روبه‌رو است. از آنجا که زنان از نظر عاطفی توانایی بالایی برای نفوذ در مردان دارند. باید بکوشند با تعامل عاطفی مطلوب مرد را آرام سازند و در هنگام بروز اختلافات از تندى کلام و بالا بردن صدا (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۳)؛ و کاربرد الفاظ نامناسب و توهین آمیز (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۱)؛ و تمسخر همسر خودداری کنند. چهره تند و نامناسب به خود گرفتن و نگاه تند و خشن، نه مشکل را بر طرف می‌سازد؛ نه به آرامش روابط کمک می‌کند؛ بلکه به احتمال زیاد خشم مرد را برانگیخته یا تشدید می‌کند (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۲۸۹). بر همین اساس است که متون اسلامی زنان را از تندى کلامی و غیر کلامی با همسرانشان به شدت باز می‌دارند:

«هر زنی که همسرش را زبان آزار دهد، خداوند از او نجات دهنده و معادلی برای رفع عذاب نمی‌پذیرد. همچنین هیچ یک از عمل‌های نیکوی او را نمی‌پذیرد؛ مگر آنکه همسرش را خشنود سازد» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۱۲).

درک مشکلات کاری و اقتصادی و وضعیت اجتماعی شوهر از مهمترین عوامل پیشگیری کننده از خشونت است. متون اسلامی بر همدلی و کمک زن به همسر در امور دنیوی و اخروی تأکید کرده‌اند (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۴۰). از آنجا که تنظیم مسائل اقتصادی خانواده و برنامه‌ریزی برای هزینه‌ها در بستر خانواده‌ها بر عهده زنان است، در اوضاع بحرانی و فشار اقتصادی، آنان می‌توانند نقش مهم‌تری ایفا نمایند. اولیای دین صبر و تحمل زن و روحیه دادن او به مرد را به هنگام فشارهای روانی بسیار بالارزش شمرده‌اند (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۲۹۱). در برابر، درک نکردن مرد و ناهمدلی با وی و تحمیل هزینه‌های بیش از توان به او، نه تنها نتیجه مطلوبی ندارد، بلکه پیامدهای دنیوی و اخروی بسیاری برای اعضای خانواده به‌ویژه زن دارد که خشونت خانوادگی

مبارزه با سنتی که زن بیوه را به رغم میل خودش به ارث فرزندان ذکور می‌رساند (نساء/ ۱۹)، ممنوعیت اکید لکه‌دار کردن حیثیت زن، حتی از سوی شوهر، به رسمیت شناختن حق مالکیت زنان (نساء/ ۳۲-۲۰-۲۱)؛ و اتخاذ تدابیری برای تأمین مالی زنان مطلقه و بیوه (بقره/ ۲۴۱-۲۴۰)؛ اشاره کرد.

در زمان معاصر نیز که برخی رسوبات اندیشه‌های جاهلی نسبت به جنس زن همچنان در جوامع مختلف حضور دارند، راهبرد فرهنگ سازی ملهم از آموزه‌های دینی باید در دستور کار متولیان امور فرهنگی قرار گیرد و بدون شک نهادهای آموزشی و تبلیغی و رسانه‌های جمعی مهم‌ترین نقش را در این زمینه بر عهده دارند (بستان نجفی، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

۱-۲-۴- نقش پیشگیرانه بزه‌دیدگان از خشونت

در موارد مختلفی از متون اسلامی با نظر به نقش محوری و کلیدی زنان در خانواده، مسؤولیت پیشگیری از خشونت خانوادگی و مواجهه با آن، به منزله مشکلی که روابط درست و رضایت بخش در خانواده و همچنین کارایی خانواده را دچار آسیب جدی می‌نماید، از وظایف زنان شمرده می‌شود. مدارای زن با شوهر، موافقت با مرد، عدم تکلف و تحمیل نکردن اموری بیش از توان بر مرد، بردباری در برابر غیرت‌ورزی مرد، پذیرش سرپرستی مرد در خانواده، همکاری در اداره خانه و رعایت حدود و مرزهای شرعی با نامحرمان از وظایف زنان است که نقش مهمی در پیشگیری از خشونت همسر دارند (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۲۸۸). اما موارد دیگری از مسؤولیت‌ها نیز وجود دارد که زمینه‌های بروز خشونت مردان در خانواده را از بین می‌برد. در ادامه به این موارد می‌پردازیم.

تأمین نیازهای جنسی شوهر در وضعیت‌های مختلف و در حد امکان، نقش مهمی در تقویت روحیه او و برقراری روابط مثبت عاطفی با وی دارد. براساس متون اسلامی زنان باید بکوشند به بهترین شکل خود را در خانه آرایش کنند و آمادگی مطلوبی برای برقراری روابط عاطفی جنسی با شوهر داشته باشند (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۸). برخی موارد بروز خشم و رفتار خشونت‌آمیز مردان در خانواده به علت ناکامی در

یکی از این موارد است (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۲۹۹).

برنامه‌ریزی مناسب برای طرح مسائل خانواده و حل مشکلات، نقش موثری در پیشگیری از تنش در خانواده دارد. معمولاً طرح مشکلات و درخواست‌ها در زمان نامناسب، مانند نخستین دقایق بازگشت مرد به خانه یا هنگام خستگی، وی را برانگیخته می‌کند و تنش را افزایش می‌دهد. برای پیشگیری از این امر لازم است زنان زمان‌های مناسبی را برای طرح مشکلات خانواده و درخواست‌های خود در نظر بگیرند، و افزون بر این، برخی مسائل جزئی خانواده را خود حل کنند و مرد را با همه مشکلات جزئی و کلی خانواده درگیر نسازند (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۲۹۹).

۱-۲-۵- تقویت کنترل اجتماعی

یکی دیگر از راهبردهای مهم کاهش خشونت زناشویی، تقویت کنترل اجتماعی است. نظام کنترل اجتماعی در اسلام بر پایه اصل پدیده امر به معروف و نهی از منکر استوار است و از این رو، ابعاد گوناگونی همچون نظارت و مداخله مسؤولان خویشتاوندان، آشنایان، دوستان، همسایگان و عموم مردم و همچنین دخالت نهادهای حکومتی و قانونی برای جلوگیری از انحرافات فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. در بعد کنترل غیر حکومتی، از آیات و روایات فراوان برمی‌آید که احساس مسؤولیت و نظارت عمومی در قبال انحرافات، جایگاه والایی در اسلام دارد و بر طرحی نظام‌مند استوار است. امر به معروف و نهی از منکر، نه منحصر به ارشاد و نصیحت است، نه ابراز کراهت و انزجار، نه توییح و تهدید، نه برخورد قهرآمیز، بلکه گستره مفهومی آن تمامی این امور را برحسب یک نظام معقول و هماهنگ دربر می‌گیرد (بستان نجفی، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

مسلمان در گام نخست امر به معروف و نهی از منکر باید بر پند و اندرز با بیان منطقی و لحن نرم و زیبا و به تعبیر قرآن دعوت به مسیر الهی بر پایه حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن متمرکز شد (نحل/۱۲۵). اما در مرحله بعد شیوه‌های دیگری نیز مطرح شده است؛ از جمله امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «رسول خدا ما را فرمان داد که با اهل

معصیت با چهره‌های عبوس برخورد کنیم» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۳). همچنین مقاطعه عمومی (قطع رابطه همگانی با شخص متخلف) یکی از شیوه‌های نهی از منکر در اسلام است. امام صادق علیه السلام در ضمن جملاتی گلایه‌آمیز به اصحاب چنین فرموده است: «آیا حق ندارم به سبب گناه بدکاران، بی‌گناهان شما را بازخواست کنم. در حالی که وقتی کار ناشایست یکی از شما به اطلاع‌تان می‌رسد با وی از در مخالفت و انکار در نمی‌آیید و ارتباطتان را با او قطع نمی‌کنید و او را آزار نمی‌دهید تا دست از عمل ناشایست خود بکشد» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۵).

همچنین در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «ای کاش زمانی که رفتار ناپسند کسی به اطلاع شما می‌رسد همگی به سویش می‌رفتید و به وی اعلام می‌کردید که یا از ما کناره‌گیری کن و یا دست از این رفتار بردار؛ پس اگر پذیرفت که هیچ وگرنه از او کناره می‌گرفتید» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۳). بدون شک اگر کنترل اجتماعی به شیوه‌های یاد شده و در شکل صحیح در جامعه اسلامی نهادینه شود، تأثیر چشمگیری بر کاهش کج‌روی‌های اجتماعی و از جمله خشونت زناشویی بر جا خواهد گذاشت.

۲- روش‌های پیشگیری کیفری از انواع خشونت خانگی در اسلام و حقوق موضوعه

در این قسمت به بررسی روش‌های پیشگیری کیفری از انواع خشونت خانگی در اسلام و حقوق موضوعه پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱- خشونت فیزیکی

یکی از اشکال خشونت اعضا خانواده بر اساس نتیجه وارده، خشونت فیزیکی یا جسمی است که شامل اعمالی نظیر ضرب و جرح، هل دادن، کتک زدن، سیلی زدن، پرتاب کردن اشیاء و قتل است. خشونت‌هایی که نتایج آن به صورت شکستگی، پارگی، عدم توانایی در وضع حمل، سقط جنین و گاهی مرگ مشخص می‌شود (رنجبران و دبیر زاده، ۱۳۹۰: ۴۰). خشونت فیزیکی اگرچه دارای عمومیت نیست ولی تبعات و آثار آن بسیار عمیق، جدی و حتی می‌تواند غیر قابل جبران باشد. با این وجود آمار دقیقی در مورد این نوع از خشونت وجود ندارد و می‌توان ادعا نمود

اختصاصی به کرات و تفصیلاً بیان شده، در این مقاله از توضیح مجدد خودداری می‌کنیم.

در ادامه توضیح این نکته در اقدامات مبتنی بر خشونت فیزیکی ضروری است که لازمه اعمال مجازات قصاص و دیه وارد آمدن صدمه محسوس بر جسم مجنی‌علیه است. این در حالی است که برخی مصادیق خشونت فیزیکی در خانواده ممکن است منتج به اثری محسوس در جسم مجنی‌علیه نباشد مانند هل دادن یا بستن دست و پا بدون ایراد ضرب یا جرح در معنای مصطلح. حال سؤال اینجا است آیا اقداماتی از این دست با ضمانت اجرایی کیفری روبه‌رو نخواهد بود. در پاسخ به نظر می‌رسد باتوجه به حرمت ایذاء و رساندن آزار به هر نحو و نیز کلام برخی فقها مبنی بر اختیار حاکم در تعزیر فرد ایذاء کننده که توضیح آن گذشت، قانونگذار می‌تواند با در نظر گرفتن مجازات تعزیری به‌عنوان ضمانت اجرای رفتارهایی از این قبیل در محیط خانواده، نسبت به تحکیم خانواده با استفاده از ابزار مجازات اقدام نماید.

۲-۲- خشونت روانی

خشونت روانی تقریباً در میان بسیاری از خانواده در درجات مختلف رایج است و ممکن است به تناسب آداب و رسوم و فرهنگ هر جامعه متفاوت باشد که البته در هر شکل و صورت آن، آثار و توابع سوء بر روابط اعضای خانواده خواهد داشت. اگرچه در این نوع از خشونت آثار و لطماتی بر جسم فرد وارد نمی‌شود، اما آسیب وارده از آن، ماندگاری طولانی داشته و تأثیر آن در کم‌فروغ نمودن وبه سردی کشاندن و در نهایت گسستن پیوندهای خانوادگی، غیر قابل انکار است. خشونت روانی به دو شکل کلامی و غیر کلامی قابل اعمال است که هر دو قسم آن در آموزه‌های اسلامی مورد نکوهش و منع واقع شده است.

انواع خشونت روانی عبارتند از:

۲-۱-۲- کلامی

خشونت یا آزار کلامی به صورت کلی، از نظر اسلام به‌هیچ‌روی جایز و درست نیست. در فهرست رفتارهای

که جامعه در این حوزه، با رقم سیاه قابل توجهی روبروست. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که بیشتر زنان به دلایل متعددی از جمله خجالت، ترس از آبروریزی، ترس از مواجهه با فقر، طرد شدن از سوی خانواده، خطر جانی و از دست دادن فرزندان، مشکلات موجود در روند قضایی و اعتقاد به اینکه قانون به نفع مردان است، شکایت خود را پنهان می‌کنند و شرایط خشونت آمیز علیه خود را تحمل می‌کنند (اسدی، ۱۳۸۳: ۲۴۶-۲۲۰).

با توجه به آثار بسیار سوء خشونت فیزیکی بر قوام و دوام خانواده، لزوم اتخاذ تدابیر مناسب در برخورد با این مشکل در نظام خانواده امری کاملاً آشکار است. پیشوایان دین علاوه بر اینکه به صورت عام افراد را از ارتکاب جنایت منع نموده‌اند، به‌صورت خاص نیز در تقبیح و منع خشونت فیزیکی در میان اعضای خانواده از آنها روایاتی به ما رسیده است. از آن جمله، پیامبر صلی الله علیه و آله از زدن زنان منع نموده‌اند. همچنین حضرت وعده عذاب سخت جهنم را به کسانی که به زن خود سیلی می‌زنند داده است. علاوه بر آن کسی که مرتکب این عمل شود در قیامت مفتضح خواهد شد؛ و نیز حضرت فرمودند «در تعجبم از کسی که زن خود را می‌زند درحالی‌که خود استحقاق بیشتری برای کتک خوردن دارد...» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۵۰). در کنار این روایات سیره و زندگانی ائمه معصومین علیهم السلام هم جای تأمل دارد که هیچ گزارشی از سیره ایشان مبنی بر بدرفتاری با زنان و یا ایراد ضرب به آنها وجود ندارد.

در احکام کیفری اسلام، به صورت عمومی مقرر گردیده در صورت وارد آمدن آسیب بر نفس یا جسم انسانی بی‌گناه و غیر مستحق، فرد ضارب که مستقیماً یا به تسبیب موجب ورود آسیب شده باید حسب مورد و مطابق عنصر روانی در هنگام ارتکاب جنایت، متحمل قصاص یا پرداخت دیه به مجنی‌علیه یا اولیاء دم، می‌گردد. این تدبیر عام برای مقابله با ارتکاب جنایت در میان کل افراد جامعه است که می‌تواند به‌عنوان یکی از تدابیر پیش‌بینی شده در تنظیم روابط اعضای خانواده و ممانعت از ارتکاب جنایت توسط ایشان باشد. از آنجا که این مقررات عام در کتب فقهی و نیز کتب جزای

سحق قذف نیست؛ چونکه اصل عدم است و نیز در روایات وارده از معصومین به آن اشاره نشده است. این قول اخیر به نظر اقوی است. در سخنی از امام رضا علیه السلام درباره فلسفه تجریم قذف می‌خوانیم: خداوند از آن‌رو قذف را حرام نموده است که موجب از میان رفتن نژاد، نفی فرزند، باطل شدن ارث، رهاشدن تربیت، از میان رفتن شناخت‌ها می‌گردد؛ بدی‌هایی که در آن وجود دارد و زمینه‌هایی که برای از هم پاشیدگی مردم فراهم می‌آورد (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷۴).

با توجه به این روایات و سایر شواهد، به نظر می‌رسد هدف از این حکم اسلامی اولاً حفظ آبرو و حیثیت انسان‌ها است، و ثانیاً جلوگیری از مفاسد فراوان اجتماعی و اخلاقی است که از این رهگذر دامان جامعه را می‌گیرد، چراکه اگر افراد فاسد آزاد باشند هر دشنام و هر نسبت ناروایی به هر کس بدهند و از مجازات مصون بمانند، حیثیت و نوامیس مردم همواره در معرض خطر قرار گرفته و حتی سبب می‌شود که به خاطر این تهمت‌های ناروا همسر نسبت به همسرش بدبین گردد، و پدر نسبت به مشروع بودن فرزند خود! خلاصه، موجودیت خانواده به خطر می‌افتد، و محیطی از سوء ظن و بدبینی بر جامعه حکم فرما می‌شود، بازار شایعه‌سازان داغ، و دامن همه پاکدامنان در اذهان لکه‌دار می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۶). در واقع شاید بتوان گفت مهمترین هدف تجریم قذف و تعیین مجازات بدنی تقریباً شدید برای آن، حفظ امنیت روانی و حریم عاطفی خانواده‌ها است. چراکه با صرف وجود یک شایعه ولو ضعیف در خصوص زن یا مرد اعتماد متقابل زوجین به هم خدشه دار شده و به تبع آن امنیت روانی خانواده به شدت مورد آسیب قرار می‌گیرد. اینجاست که باید با قاطعیت رفتار کرد، همان قاطعیتی که سیاست جنای اسلام در برابر این افراد بد زبان و آلوده دهن نشان داده است.

۲-۲-۲- غیر کلامی

یکی دیگر از انواع خشونت روانی، خشونت در روابط غیر کلامی است که مصادیق آن عبارتند از: تغییر حالات چهره حاکی از خشم، بی‌اعتنائی، تنفر و تمسخر، حالت بدنی هجوم

کلامی که از نظر اسلام گناه و ناپه‌نجان تلقی می‌شود، این موارد به چشم می‌خورد: غیبت (بیان عیوب و نواقص شخص در غیاب او (تهرانی، ۱۳۸۱: ۳۱)، تهمت و بهتان (نسبت دادن رفتار یا گفتار یا حالتی زشت و ناپسند به کسی که از آن زشتی به دور باشد)، مرء (اشکال گرفتن از گفتار دیگران برای آشکار کردن نقص آنان که نوعی برتری‌جویی و عیب‌جویی از دیگران است)، جدال (گفت و گو و مبادله‌های پی‌درپی کلامی برای چیره شده بر دیگری)، خصومت (درگیری لفظی با دیگران) (نراقی، ۱۳۸۶: ۲۸۷). لعن و نفرین در شرایطی که فرد استحقاق آن را ندارد، شماتت و سرزنش، فحش و توهین (گفتن کلمات ناسزا و بیهوده به دیگران)، استهزاء، سخن‌چینی، دادکشیدن و تحقیر. در خصوص زشتی این امور و پیامدهای دنیوی و اخروی آن، سخنان بسیاری از اولیاء دین علیهم السلام رسیده است که بر این اساس، ارتکاب این رفتارها از نظر اسلام حرام است و این امر شامل همه روابط اجتماعی از جمله روابط درون خانواده می‌شود (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

از میان مصادیق خشونت کلامی که ممکن است در بین اعضای خانواده بروز کرده و دارای آثار سوء جدی بر روابط درون خانواده و استحکام آن دارد، قذف اعضا خانواده و به‌خصوص همسران نسبت به یکدیگر است. این عمل به دلیل تبعات نامطلوب اجتماعی و خانوادگی آن، با واکنش کیفری تقریباً شدیدی در سیاست جنایی اسلام مواجه شده است. حادث شدن قذف، علاوه بر اعمال مجازات بر فرد قذف کننده دارای نتیجه‌ای خاص با عنوان «لعان» در خانواده است که در این قسمت توضیح داده خواهد شد.

قذف در لغت به معنای انداختن، گذاشتن و رها کردن آمده است (قرشی، ۱۴۱۲: ۲۵۹). در اصطلاح فقهی عبارت است از: نسبت دادن زنا یا لواط به کسی. اما در مورد مساحقه که آیا قذف محسوب می‌شود یا خیر دو نظر وجود دارد: در یک نظر، نسبت دادن مساحقه نیز قذف محسوب می‌شود زیرا، سحق نیز همانند زنا است و لذا همان حد زنا (صد ضربه شلاق) در آن جاری می‌شود و اثبات سحق با شهادت چهار مرد و یا چهار بار اقرار است. قول دیگر قائل است که

نتیجه‌گیری

خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که صیانت از اصل این نهاد و کارکردهای آن بر کسی پوشیده نیست. بدون تردید سعادت و سلامت جامعه در گرو پاسداشت خانواده است که برای این مهم اتخاذ تدابیر مناسب و نیز تشریح مساعی سایر نهادهای اجتماعی امری بدیهی است. نظر به اهمیت خانواده و ضرورت صیانت از آن، دین اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین آیین الهی، در بردارنده تدابیری است که هدف متعالی صیانت از نهاد خانواده به‌واسطه به‌کارگیری این تدابیر محقق خواهد شد.

با توجه به اینکه حفظ و صیانت از هر نهاد اجتماعی در واقع در قالب پیشگیری و مقابله با آسیب‌ها، چالش‌ها و صدماتی است که جوهره و بنیان نهاد مورد نظر را در معرض تهدید قرار می‌دهد و از آنجا که خانواده نیز یک نهاد اجتماعی شناخته می‌شود، لذا حفظ و صیانت از آن در مسیری محقق است که پیشگیری و مقابله با آسیب‌ها و چالش‌های پیش‌روی آن به‌نحو مطلوب طرح ریزی و اجرا گردد. این آسیب‌ها و چالش‌ها در طیفی از رفتارها قرار دارد که هم دارای جنبه کیفری بوده یعنی پاسخ ارتکاب آنها مجازات است و هم فاقد وصف کیفری هستند که از آنها تعبیر به «انحراف» شده و پاسخ به این قسم رفتارها اعم از حقوقی (مدنی) یا جمعی است. مجموع این رفتارهای دارای وصف کیفری و غیرکیفری را می‌توان به‌عنوان «پدیده مجرمانه» شناسایی کرد که نهاد خانواده را مورد تهدید قرار می‌دهد.

از سوی دیگر مجموعه روش‌هایی که به‌وسیله آن بدنه اجتماع (هیأت اجتماع) پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازماندهی می‌کند به‌عنوان تعریف موسع مفهوم «سیاست جنایی» مطرح شده که بر این اساس، مجموعه تدابیر پیش‌بینی شده در دین اسلام برای صیانت از نهاد خانواده را تحت عنوان «سیاست جنایی» قابل بررسی است.

با در نظر داشتن موارد مذکور این تحقیق با هدف کلی

برنده یا مسلط، تماس چشمی غضبناک، تندخویی، ترساندن، قهرکردن و امثال این موارد. در آموزه‌های اسلامی برخی از این موارد تحت عنوان بدخلقی (سوءخلق)، در کانون توجه قرار گرفته و ضمن تقبیح بر دوری از این صفت تأکید شده است. در مقابل توصیه و سفارش فراوان و مؤکد بر حسن خلق و به‌کارگیری آن در روابط اجتماعی، مورد عنایت خاص تعالیم دینی می‌باشد. به‌عنوان نمونه امام رضا علیه السلام از پیامبر اکرم ص روایت نموده که پیامبر فرمودند علیکم بحسن الخلق فان الحسن الخلق فی الجنه لا محاله وایاکم وسوء الخلق فان السوء الخلق فی النار لا محاله (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۲).

برای رفتارهای مذکور بجز مورد قذف که یکی از مصادیق تهمت و بهتان است، در فقه کیفری اسلام مجازات و ضمانت اجرای کیفری مقرر نشده است. البته بر مبنای قاعده ممنوعیت ایذاء مؤمن و نیز کلماتی از فقها در منع حاکم از ایذاء زوجه توسط زوج و اجازه استفاده از تعزیر برای آن، می‌توان برخی تمهیدات کیفری برای ممانعت از خشونت روانی و مقابله با آن در نظر گرفت که اعمال تدابیر از این دست برای تنظیم روابط درون خانواده، مقوم نهاد خانواده نیز هست. شیخ طوسی در کتاب مبسوط به این موضوع اشاره نموده و آورده است، اگر کسی به همسرش بگوید: کسی با تو در حالی که مکره بودی نزدیکی کرده است، در این صورت اگرچه این بیان به‌دلیل اینکه در حال اکراه زنا محقق نمی‌شود، قذف نخواهد بود؛ ولی به‌دلیل اینکه گفتن این الفاظ موجب اذیت شدن زن می‌شود، گوینده باید تعزیر شود (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۱۶).

در قانون مجازات اسلامی، نسبت به توهین به اشخاص به‌صورت کلی، در ماده ۶۰۸ تعزیرات جرم انگاری صورت گرفته که می‌تواند در برخی از مصادیق خشونت روانی چه به صورت کلامی و چه غیر کلامی در خانواده مورد استناد قرار گیرد: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود».

استنباط حاضر نیز از این موضوع نشأت می‌گیرد که خداوند چون نظام خانواده را براساس عنصر عواطف و احساسات طبیعی و غریزی تعریف می‌کند، بیش از آن که به حقوق توجه دهد و بر آن تأکید کند، بر عامل احسان و عفو توجه می‌دهد؛ زیرا نظام خانوادگی که بر پایه مهر و محبت و احساس و عاطفه شکل گرفته و برای پاسخ‌گویی به این بخش از نیازهای بشری به وجود آمده، نمی‌تواند تنها بر پایه حقوق و قانون و تکالیف قوام یابد. از این رو احسان و عفو و گذشت به‌عنوان مبنای اصلی بنیاد خانواده مطرح شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده اول به‌عنوان نویسنده اصلی و نویسنده بعدی به‌عنوان نویسنده مسؤول می‌باشند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۳). «مهار خشونت خانگی از قانون تا اخلاق». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۶(۲۳): ۲۲۰-۲۴۶.

- آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۱). خوش رفتاری با زنان (نفی خشونت علیه زنان). چاپ اول، تهران: نشر روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۰). خانواده در اسلام. چاپ اول، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

«بررسی تدابیر کیفری اسلام در حفظ و صیانت از نهاد خانواده در برابر خشونت خانگی» به انجام رسید تا بتواند با استفاده از منابع معتبر اسلامی، تدابیر پیشینی و پسینی (اعم از کیفری و غیر کیفری) پیش‌بینی شده در شریعت اسلام، برای صیانت از نهاد خانواده در برابر خشونت استخراج و مورد تحلیل قرار دهد.

با توجه به گستردگی تدابیر پیش‌بینی شده در سیاست جنایی اسلام برای صیانت از نهاد خانواده و کارکردهای آن، به جرأت می‌توان ادعا نمود این تدابیر از جامعیت مناسبی برخوردار هستند. به‌گونه‌ای که به پیش از تشکیل خانواده و حتی پس از فروپاشی خانواده و وقوع طلاق و تلاش برای بازیابی مجدد خانواده عنایت شده است. همچنین کثرت تدابیر غیر حقوقی و غیر کیفری که عمدتاً دارای صبغه اخلاقی است قابل توجه است.

علی‌رغم کثرت تدابیر موجود در سیاست جنایی اسلام با موضوع خانواده هیچ تعارضی میان تدابیر مذکور مشاهد نگردید. درواقع، التزام به اجرایی نمودن یک تدبیر مستلزم نفی و یا نادیده انگاشتن تدبیر و توصیه دیگری نیست و وجود هماهنگی در میان آموزه‌ها و تدابیر موجود کاملاً محسوس و آشکار است.

با وجود اینکه تقریر احکام حقوقی مربوط به نهاد خانواده از پس سالیان متمادی و دور است، لکن پس از گذشت زمان نسبتاً طولانی، کماکان بسیاری از احکام حقوقی موجود در سیاست جنایی اسلام در خصوص خانواده با همان حکم اولیه در زمان حاضر قابلیت اجرا داشته و به ندرت نیاز عناوین ثانویه است. در واقع منظومه آموزه‌های اسلامی با گذشت زمان رنگ کهنگی به خود نگرفته و عمل به آنها ارائه دهنده مناسب‌ترین طریق در تأمین مصالح اجتماع و نهادهای آن، خصوصاً نهاد خانواده است.

بر اساس آنچه که عنوان گردید؛ امکان این ادعا وجود دارد که تدابیر جنایی اسلام برای حفظ و صیانت از نهاد خانواده با توجه به شرایط متغیر زمانی و مکانی ضمن انعطاف‌پذیری، از جامعیت، انسجام و کارآمدی لازم برخوردار است. مبنای

- تهرانی، مجتبی (۱۳۸۱). *اخلاق الهی*. چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- جبعی عاملی (شهیدثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*. جلد پنجم، چاپ چهارم، قم: کتاب فروشی داوری.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد شانزدهم - بیست - بیست و یکم و بیست و هشتم، چاپ نهم، قم: موسسه آل بیت علیهم السلام.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰). *تحریر الکلام الشریعه علی مذاهب الامامیه*. جلد دوم، چاپ هفتم، قم: موسسه امام صادق علیهم السلام.
- رنجبران، قاسم؛ دبیر زاده، الهه (۱۳۹۰). *خشونت بر زنان در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی*. چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸). *التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج*. الجزء الخامس، الطبعة الثانية، دمشق: دارالفکر المعاصر.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۹). *خشونت خانگی علیه زنان*. چاپ دوم، قم: نشر هاجر.
- شیروانی، علی (۱۳۸۶). *نهج الفصاحه (کلمات قصار پیامبر اعظم (ص) همراه با فهرست تفصیلی و نمایه موضوعی)*. چاپ سوم، تهران: نشر دارالفکر.
- ضمیری، محمدرضا (۱۳۸۵). «نیم نگاهی به آسیب شناسی خانواده». *مجله معرفت*، ۱۵(۱۰۴): ۴۵-۵۴.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. جلد چهارم و پنجم، چاپ پنجم، تهران: المکتب المرتضویه.
- عاملی، بهاء الدین محمد بن حسین و ساوجی، نظام بن حسین (۱۴۲۹). *جامع عباسی*. چاپ اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و دفتر انتشارات اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲). *قاموس قرآن*. جلد پنجم، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قمی (صدوق)، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۵). *من لایحضره الفقیه*. ترجمه علی اکبر غفاری و صدر بلاغی، جلد سوم، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن جعفر بن یعقوب (۱۴۰۷). *اصول کافی*. جلد پنجم، چاپ دهم، بیروت، موسسه الأعلمی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. جلد نود و هفتم و صد، چاپ نهم، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. جلد دوازدهم و چهاردهم، چاپ سیزدهم، بیروت - لبنان: موسسه آل بیت (علیهم السلام).
- معظمی، شهلا (۱۳۸۳). «حمایت از زنان در برابر خشونت‌های خانگی». *مجله رفاه اجتماعی*، ۳(۱۳): ۲۲۳-۲۵۰.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. جلد چهاردهم، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سیدروح اله (۱۳۸۴). *جایگاه زن در اندیشه امام خمینی*. چاپ نهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نراقی، مهی ابن ابی ذر (۱۳۸۶). *جامع السعادات*. جلد دوم، چاپ هشتم، قم: انتشارات اسماعیلیان.